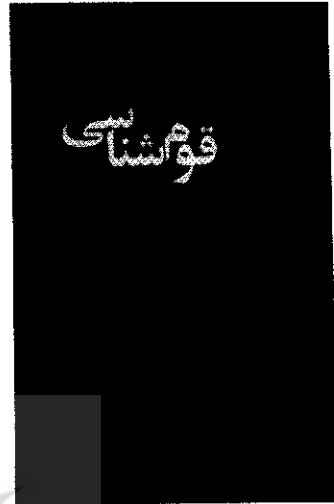


نویسنده کتاب، رولان برتون^۱ از اساتید برجسته و با سابقه دانشگاهی فرانسه و پژوهش‌ها و تألیفات زیادی در زمینه قوم‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیایی، محیط‌شناسی فرهنگی و مسائل فرهنگی جمعیت‌شناسی دارد (ص ۱۲).

دکتر ناصر فکوهی عضو هیأت علمی گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران کتاب را ترجمه و نشر نی آن را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است. کتاب مذکور دارای یک پیش‌گفتار و یک مقدمه - یکی به قلم مترجم و دیگری به قلم نویسنده کتاب - است. در ضمن کتاب شامل پنج فصل، نتیجه‌گیری، کتابنامه و ضمائم نسبتاً طولانی از جمله متن دو سخنرانی مترجم است که در اردیبهشت و مرداد ۱۳۷۹ در مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها برگزار شده است. معرفی کتاب‌هایی که در زمینه



نقد و معرفی کتاب :

قوم‌شناسی سیاسی

متن فرانسوی کتاب مذکور در سال ۱۹۹۵ توسط انتشارات PUF تحت عنوان Ethnopolitique در پاریس منتشر و توسط آقای دکتر ناصر فکوهی به فارسی برگردانده شده است.

1- Roland Breton

مترجم هم‌چنین به فصول پنج‌گانه کتاب، ۶۱ صفحه یادداشت و ۵۳ صفحه مطالب دیگر اضافه کرده است.

* *

رولان برتون در مقدمه بیان می‌دارد که اصولاً تا قبل از فروپاشی کمونیسم (۱۹۸۹ م) در اروپا این تصور وجود داشت که مسأله اقوام در این قاره حل شده است و از این به بعد باید به توسعه و رفاه کنشگران اجتماعی جامعه اروپا پرداخت. ولی فوران کور جریان‌ات افراطی در یوگسلاوی سابق موجب بطلان این تصور ناظران بین‌المللی شد. لذا نویسنده درصدد است تا با استفاده از این شرایط و برای توضیح رویدادهای رقت‌انگیز در یوگسلاوی و اروپا، دست به تألیف این اثر بزند. در فصل اول به بررسی فضای سرزمینی این جریان و در فصول بعدی به رابطه بین اقوام و دولت‌ها می‌پردازد و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها را بررسی کرده و چگونگی رویارویی اقوام و دولت‌ها را بیان نموده و نهایتاً هدف خود را

قوم‌شناسی به فارسی منتشر شده و فهرستی از پایگاه‌های اینترنتی (۴۴ پایگاه) و واژه‌نامه فارسی - فرانسه و فرانسه - فارسی از دیگر مطالب کتاب می‌باشد که جمعاً ۲۷۸ صفحه را در برمی‌گیرد.

معرفی کتاب

برای معرفی ابتدا پیش‌گفتار مترجم و سپس مقدمه نویسنده را بررسی کرده، آنگاه به معرفی فصول اثر می‌پردازیم.

مترجم محترم در پیش‌گفتار کوتاه خود (صص ۱۴-۹) ضمن بیان چگونگی آغاز مطالعات انسان‌شناسی در حوزه قوم‌شناسی در دو قرن اخیر، به علل شکل‌گیری این ادبیات پرداخته و ضمن معرفی نویسنده، به توضیح برخی از مفاهیم و اصطلاحات برای خوانندگان فارسی زبان می‌پردازد و در انتهای پیش‌گفتار، با توجه به ویژگی چندقومی جمعیت ایران، ترجمه و مطالعه ادبیاتی از این دست را برای فارسی‌زبانان مفید می‌داند.

کشورها می‌باشند. البته نمونه‌هایی از پسرقت نیز مشاهده می‌شود که یک دولت ملی به یک جامعه قبیله‌گرا سقوط کرده است (نمونه سومالی) (ص ۴۳۱). وی آنگاه بیان می‌دارد که جهانی شدن و یا جهان وطنی که می‌تواند ابزاری در دست دولت‌های مقتدر نظیر آمریکا باشد، در صدد است اثبات کند که فقط صاحبان چند ملت خاص قادرند جهان را اداره کنند و بقیه اقوام و ملت‌ها لیاقت ندارند و لذا در صدد هستند وجود این نوع جنبش‌ها را نفی کنند (ص ۴۵).

۲

فصل دوم که از آن تحت عنوان "تعلق‌های چندگانه و پویایی قومی" یاد می‌شود، بیان می‌دارد که علی‌رغم اینکه هویت‌های قومی باید از غربال‌های اندیشه ملی‌گرایی دولتی، خاص‌گرایی‌های قبیله‌ای و سرانجام جهان وطنی بگذرند، ولی هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند. نویسنده برای شاهد مثال، ملیت فرانسوی را بررسی می‌کند و از آن به عنوان یک نمونه مطلوب یاد کرده و نشان داده

این قرار داده است که روشن سازد تا چه اندازه با تنوع، فراوانی و پختگی این خواسته‌ها در بین اقوام روبرو هستیم.

۱

نویسنده در فصل اول تحت عنوان "مکان‌ها و بازیگران: شکل‌گیری قومی" فصل را با این تعریف به پایان می‌رساند که اصولاً در عصر حاضر با توجه به اینکه اغلب مرزبندی‌های استعماری با واقعیت‌های قومی انطباق ندارد، لذا با پدیده جدیدی تحت عنوان ملی‌گرایی دولتی روبرو هستیم که در فرایند آن ابتدا دولتی به استقلال می‌رسد و سپس آن دولت به جای زبان بومی، با استفاده از زبان استعمارگران، در صدد تشکیل ملتی تحت حاکمیت خود می‌باشد (ص ۴۰). این فشارها باعث شده که در مناطق قومی جنبش‌های ملی‌گرایانه قومی شکل گرفته و در صدد استقلال و یا پیوستن به کشورهای همجوار و هم‌قوم خود باشند که بنگلادش، اریتره و کشورهای بالکان از جمله این

۱- هویت تمدنی که معمولاً با مذهب آمیخته است؛ مانند اسلام، مسیحیت، بودیسم.

۲- هویت‌های زبانی که جمعیت‌های خارجی را فراسوی مرزهای سیاسی فعلی گرد هم می‌آورد و علی‌رغم داشتن ریشه‌های گسترده تاریخی، ممکن است فاصله‌های زیادی از نظر جغرافیایی داشته باشند. جنبش‌هایی نظیر پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم، پان‌ژرمنیسم و پان‌هلنیسم می‌تواند نماینده این‌گونه از هویت‌ها باشند.

۳- در مرتبه سوم، تعلق‌های هویتی در سطح ملی است که تنها شکل از تعلق نظام‌مندی است که همه ناچار به پیروی از آن هستند.

۴- در رتبه چهارم، هویت‌های قومی قرار می‌گیرند که مشکلات آنها در رابطه با هویت‌های بالا و پایین‌تر از خود قبلاً اشاره شد.

۵- آخرین مرتبه می‌تواند هویت قبیله‌ای یا خانوادگی باشد که این تعلقات در جای‌جای کره‌خاکی قابل بررسی است.

است که علی‌رغم اینکه ملیت فرانسوی برای مردم آن درونی شده و جا افتاده است، ولی هویت‌های قومی، زبانی و دینی در آن کشور از جمله در میان گروه مسلمانان مهاجر و یهودیان (اشکنازی‌ها) تداوم یافته است (صص ۶۹-۶۵). وی سپس به بررسی این پدیده می‌پردازد که اصولاً انسان‌ها توانایی داشتن هویت‌های متعدد در سطح فروملی همانند هویت‌های شهری، منطقه‌ای (کانتون) و قومی و در سطح فراملی هویت‌های زبانی مانند فرانسوی، ترکی، عربی و یا هویت‌های مذهبی مانند مسلمانان، مسیحی، بودائی را دارند. هر چند ممکن است این هویت‌ها در سطح دولت‌ها باشد با این وجود در برخی مناطق هویت‌های منطقه‌ای و جهانی از جمله تعلق به جامعه اروپایی، آمریکای لاتین و ... در حال شکل‌گیری است (صص ۷۷-۶۹). نویسنده سپس به ترسیم شبکه‌های سلسله‌مراتبی تعلق‌های هویتی می‌پردازد که برجسته‌ترین آنها به شرح ذیل است:

منظر تمدن برتر و پست‌تر زمینه‌های فراهم نساخته است تا قوم‌شناسی، میدانی حقیقی بیابد. اگر در سطح جهان نیز به این پدیده نگریسته شود، تاریخ بیشتر به بازی دولت‌ها پرداخته است تا اقوامی که قدمت آنها گاهی به هزاران سال می‌رسد و کمتر دولتی را سراغ داریم که در تداوم خود، از قدمتی این چنین پایه‌ای بر خوردار باشد. بنابراین ضروری است پدیده اقوام نیز در میدانی حقیقی به دور از پیش‌داوری مورد بررسی قرار گیرد (صص ۹۰-۸۳).

۳

در فصل سوم با عنوان "از امر قومی تا امر سیاسی" بررسی مسائل قومی مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده ابتدا به این موضوع می‌پردازد که جغرافیای انسانی بدون در نظر گرفتن اقوام آن، همانند قابی بدون نقشه و یا صحنه تئاتری بدون بازیگر است. وی سپس ادامه می‌دهد که در سال ۱۹۹۴، ۱۸۴ دولت عضو سازمان ملل بوده و فقط ۷۵ زبان رسمی - که ۱۵ فقره آن مربوط به کشور هندوستان بوده - وجود داشته

البته شبکه‌های هویت مذکور ممکن است با هویت‌های منطقه‌ای مانند اروپایی، آسیایی، شرقی و غربی آمیخته شود و این تعلق‌ها متداخل و پیچیده باشند و امکان تغییر یکی و جایگزینی دیگری به جای آن وجود داشته باشد. هر چند که در این جایگزینی در نسل اول مهاجرین ساکن اروپا و آمریکا ممکن است انجام پذیرفته باشد ولی در نسل‌های بعدی مهاجرین این امر اتفاق می‌افتد اگرچه رگه‌هایی از تعلقات قبلی نیز ممکن است حفظ شود (صص ۸۳-۷۷).

نویسنده در واپسین بخش‌های این فصل، مسأله‌ای را مطرح می‌کند که از نظر روش‌شناسی قومی بسیار مهم و تعیین کننده است. به باور نگارنده، در گذشته یا به پدیده انسان‌شناسی زیستی و نژادی پرداخته شده است که سایه شوم جنگ‌های ویرانگر نژادپرستانه بر آن سایه افکنده و یا به روش مردم‌نگاری که در خدمت مردم‌شناسی بوده، به حفظ و جمع‌آوری آثار هنری مردمی (فولکلور) پرداخته شده، که آنهم از

نمونه‌هایی در سراسر اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و هندوستان را به نمایش می‌گذارد. او وحدت زبانی را یکی از مهمترین پروژه‌های اقوام برای ایجاد وحدت و همگرایی و به تعبیری، شکوفایی هویت قومی می‌داند. دایره این هویت‌یابی از طریق زبان می‌تواند به احیاء زبان‌های مرده و باستانی به یک زبان زنده و مدرن منجر شود که نمونه آن زبان عبری در اسرائیل می‌باشد (صص ۱۱۵-۱۰۹).

مفهوم اصل حق تعیین سرنوشت در پهنه کشورهای تازه استقلال یافته، موضوع بعدی مورد بررسی است. بحث جدیدی است که در غالب سازمان‌ها و نهادهای فراملی تجلی می‌یابد که بیشتر به تجربیات اتحادیه اروپا می‌پردازد و براساس اصل تفویض اختیارات، اصولاً پدیده‌هایی را که در سطح ملی قابل حل نباشد در حوزه کنفدراسیون یا فدراسیون و یا اتحادیه مورد بررسی قرار می‌دهد (صص ۱۱۹-۱۱۵).

آخرین مبحث این فصل با عنوان سلب حقوق جزئی و بقای دولت ملی، به بررسی روند تفویض

است. هم‌اکنون زبان‌های زنده دنیا بین ۳ تا ۶ هزار فقره برآورد می‌شود، و این پدیده نشان می‌دهد که معدودی از دولت‌ها دقیقاً زبانی خاص را نمایندگی می‌کنند و از آن کمتر زبان‌هایی است که نماینده‌ای در سازمان ملل دارند. در آینده ممکن است تعداد زبان‌های رسمی به ۲۰۰ فقره افزایش یابد ولی از طرف دیگر ممکن است زبان‌های زنده دنیا به ۳۰۰ فقره کاهش یابد. می‌توان چنین استنباط کرد که تعداد زیادی مردم بومی فاقد دولت هستند که برای نمونه به تبتی‌ها و کردها می‌توان اشاره کرد.

او سپس به مقوله‌نامه‌های بین‌المللی که در آن دفاع از مردم بومی مدنظر قرار گرفته است، اشاره دارد که دولت‌ها را موظف به حفظ اقلیت‌های زبانی و ارتقاء فرهنگی آنها نموده است (صص ۱۰۹-۱۰۰).

نویسنده در ادامه، بحثی تحت عنوان "هویت‌یابی از خلال زبان" را مطرح کرده و تلاش‌های اقوام مختلف برای تثبیت هویت خود از خلال زبان را بررسی کرده و

حوادث و جنگ‌های تاریخی، تغییراتی که در نقشه سیاسی اروپا حاصل شده است و منشأ اغلب آنها هم زبانی بوده است، یک به یک بررسی می‌کند (صص ۱۵۰-۱۴۳).

آنگاه در بیان شواهدی تاریخی که نشان می‌دهد دولت‌ها در برابر اقوام قرار دارند، به نمونه یوگسلاوی اشاره می‌کند و حوادث تاریخی دهه ۱۹۹۰ این منطقه را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که دولت‌های اروپایی چگونه آشکار و پنهان از صرب‌های به شدت مسلح حمایت می‌کردند (صص ۱۶۰-۱۵۰). وی در ادامه، به دخالت‌های استعماری کشورهای اروپایی در آفریقا و آسیا و دستکاری رابطه طبیعی اقوام و قبایلی که قرن‌های متمادی در کنار هم زندگی کرده‌اند - از الجزایر گرفته تا ویتنام و رواندا - می‌پردازد و معتقد است این نسل‌کشی بیشتر ناشی از منافع استعماری است که در اروپا امکان بروز نداشته و به کشورهای فقیر منتقل شده است. نویسنده سپس به سیاست‌های دولت‌های مختلف در تقسیم‌بندی سرزمین اقلیت‌های قومی

اختیارات به نهادهای فراملی و فروملی که به محدود شدن اختیارات دولت ملی منجر شده است می‌پردازد. تجربه تشکیل ۲۰ دولت جدید بواسطه فروپاشی شوروی، یوگسلاوی و اتیوپی نشان داد که تعداد دولت‌های ملی، علی‌رغم کاهش اختیارات آنها، در حال افزایش است (صص ۱۲۲-۱۱۹). از طرف دیگر، تعداد زیادی واحدهای فروملی در دولت‌های ملی شکل گرفته است که می‌توان به فدراسیون روسیه، آفریقای جنوبی، بریتانیا و... اشاره کرد که همگی شاهد شکوفایی این گروه‌های فروملی هستند؛ هر چند در بعضی کشورها مانند آلمان و آمریکا، این نمادها بیشتر رنگ محلی دارند تا قومی (صص ۱۲۷-۱۲۲).

۴

نویسنده در فصل چهارم تحت عنوان "دولت در برابر قوم‌ها" به بررسی شکل‌گیری دولت‌های ملی در اروپای غربی می‌پردازد و بیان می‌دارد که وحدت زبانی اولین پایه تشکیل دولت‌های ملی در این منطقه بوده است و سپس با کمک

دوم بکار رفته است
(صص ۱۸۷-۱۸۵).

۲- نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت شامل از میان بردن کامل یا بخشی از یک جمعیت، تبعید و یا پراکندن آنها، تحمیل شرایطی خاص به آنها که موجودیت فیزیکی یا روانی یا تولیدمثل طبیعی‌اش را به خطر اندازد می‌شود. برای نمونه به کشتار ارامنه در سال ۱۹۱۵ توسط دولت ترکیه می‌توان اشاره کرد (صص ۱۸۸-۱۸۷).

۳- قوم‌کشی و زبان‌کشی از دیگر سیاست‌هایی است که دولت‌ها برای نابودی فرهنگ یک قوم اتخاذ می‌کنند. مانند آموزش زبان چینی در تبت به جای زبان بومی (صص ۱۸۹-۱۸۸).

۴- جابجایی جمعیتی که گاهی پس از جنگ‌ها اتفاق می‌افتد و شامل انواع پناهجویان یا رانده‌شدگان می‌شود. برای نمونه، پس از جنگ جهانی دوم ۱۲ میلیون آلمانی و در جدایی هند و پاکستان ۱۵ میلیون جمعیت بین هند و پاکستان جابجا شدند (ص ۱۹۰).

خود می‌پردازد و سیاست‌های شوروی، چین، اتیوپی و هندوستان را بررسی می‌کند و هند را که از موفق‌ترین نمونه‌های تقسیمات کشوری مبتنی بر ویژگی زبان است، برمی‌شمارد. البته نویسنده در انتها اشاره می‌کند که در مناطق شهری، ترسیم مرزهای قومی مشکل است و شهرنشینی را به‌عنوان دیگ جوشانی می‌داند که بعضی معتقدند قومیت‌ها در آن ذوب می‌شوند و آمریکا را از جمله نمونه‌های آن اعلام می‌دارد (صص ۱۷۳-۱۶۰).

۵

فصل پنجم کتاب به بررسی "راه‌های منفی سیاست قومی" اختصاص دارد و در آن علاوه بر بیان تاریخچه و روند سیاست‌های نه‌گانه‌ای که در مورد اقوام اعمال شده، هر یک به تفسیر بیان می‌شود:

۱- اردوگاه کار اجباری به مثابه اولین سیاست قومی توسط اسپانیایی‌ها در کوبا در طول جنگ استقلال و سپس توسط انگلیسی‌ها در آفریقای جنوبی، روسیه، چین، آلمان نازی و آمریکا در طول جنگ جهانی

۹- پاکسازی قومی^۱: سیاستی است که صرب‌ها برای اولین بار برای اخراج آلبانیایی‌ها از سرزمین مادری خود اعمال کردند و به تعبیری به اخراج مردمان و گرفتن اموال و ثروت و سرزمین آنها اطلاق می‌شود و در همه موارد در اروپا به این قضیه می‌پردازد. سپس به سیاست خمرهای سرخ در کامبوج و اخراج مورپسی تبارها از جزیره دیه‌گو گارسیا توسط آمریکایی‌ها در جنوب غرب آسیا اشاره دارد (صص ۲۰۰-۱۹۹).

رولان برتون مطالب خود را با یک نتیجه‌گیری کلی به پایان می‌رساند و بیان می‌دارد که هدف از نگارش کتاب مذکور، ارائه چارچوبی تحلیلی است که به کمک آن می‌توانیم تصویری شیطانی که از قومیت ساخته شده است را تعدیل کنیم. این چارچوب هم‌چنین به درک این نکته که هر انسانی همان‌گونه که به یک دولت تعلق دارد دارای یک تعلق قومی نیز هست منجر می‌گردد. در واقع، نویسندگان درصدد بررسی

۵- مبادله جمعیت که از قدیم مرسوم بوده است و پس از جنگ جهانی اول و دوم، بشدت و به‌صورت گسترده انجام گرفت (صص ۱۹۲-۱۹۰).

۶- تبعید و نابودی کلی یا گزینشی: که شباهت زیادی با روش نسل‌کشی دارد. به بررسی این سیاست‌ها در طول دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن در شوروری و کشورهای اروپایی می‌پردازد (صص ۱۹۶-۱۹۲).

۷- همه سوزان (هولوکوست): نویسنده به بررسی ریشه لغوی این پدیده در انجیل می‌پردازد و از نظر تجربی بحثی روی آن نمی‌کند (صص ۱۹۷-۱۹۶).

۸- جهاد و جنگ‌های صلیبی: نویسنده به بررسی تاریخچه جنگ‌های صلیبی از اسپانیا تا بیت‌المقدس و سپس بالکان می‌پردازد و تفاوت‌های جهاد و جنگ‌های صلیبی را تجزیه و تحلیل می‌کند (صص ۱۹۹-۱۹۷).

تعلق فرهنگی است نه تعلق‌های سیاسی که لزوماً پای دولتی خاص را به میان می‌کشد (صص ۲۲۰-۲۱۷).

نقد کتاب

کتاب به دلیل اینکه ترجمه است، از دو منظر قابل نقد می‌باشد؛ اول نقد ترجمه، دوم نقد شکلی، محتوایی و روشی اثر.

اول: نقد ترجمه

نظر به اینکه کتاب از فرانسه به فارسی برگردانده شده است، بدون در اختیار داشتن متن اصلی، اظهار نظر در خصوص کم و کیف ترجمه، چندان دقیق نخواهد بود؛ هر چند متن روان ترجمه شده و درخور توجه می‌باشد. ولی با توجه به اینکه بیش از یک سوم اثر شامل اضافاتی است که مترجم به متن اصلی افزوده است، نگاهی اجمالی به آن ضرورت دارد:

۱- انتخاب و ترجمه کتاب با توجه به ضعف ادبیات نوشتاری در این حوزه می‌تواند از نقاط قوت کار مترجم به حساب آید.

۲- اضافه کردن یادداشت‌هایی به انتهای فصول باعث شده که فارسی‌زبانان از محتوای کتاب بهره بیشتری برده و کتاب از جایگاه ترجمه صرف به تألیف و ترجمه ارتقاء یابد.

۳- اضافه کردن منابع و مآخذ فارسی، معرفی ۴۴ پایگاه اینترنتی (هرچند بعضی از این پایگاه‌ها ارتباط نزدیکی با موضوع و محتوای کتاب ندارند) و اضافه کردن واژه‌نامه فارسی - فرانسه و برعکس، از دیگر خدماتی است که مترجم کتاب به فارسی‌زبانان ارائه می‌دهد.

علی‌رغم نقاط قوت بالا، پاره‌ای نارسائی‌ها در پی‌نوشت‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله:

۱- در هیچ کدام از پی‌نوشت‌ها منبع ذکر نشده است. لذا ارزیابی نقاط ضعف و قوت آنها میسر نمی‌باشد.

۲- ذیل پی‌نوشت شماره ۳۳ (ص ۱۳۳) اشاره به کشته شدن میلیون‌ها تن از یهودیان لهستان شده است که شواهد و قرائن تاریخی خلاف آن را ثابت می‌کند و در نقد محتوای اثر به آن خواهیم پرداخت.

الف) نقد شکلی

با توجه به ترجمه بودن اثر، امکان بررسی اشکالات شکلی آن میسر نمی‌باشد لذا به جنبه‌های دیگر نقد می‌پردازیم.

ب) نقد روشی

در صورتی که اثر را به‌عنوان نوشتاری برای استفاده عموم مردم تلقی کنیم، از این منظر ایراد چندانی به کتاب وارد نمی‌باشد و نویسنده تا حدودی موفق شده است برخی حوادث اتفاق افتاده در مناطق قومی را به خوبی بیان و تحلیلی از آن ارائه دهد. بررسی اثر به‌عنوان یک متن علمی، ایرادات اساسی کتاب را برجسته می‌نماید از جمله:

۱- تلاش نویسنده برای مفهوم‌سازی برخی واژه‌های کلیدی درخور توجه است، هر چند ضرورت داشت این موضوع تنها در ابتدای اثر لحاظ شود، حال آنکه مجدداً در فصل پنجم نیز به مفهوم‌سازی روی آورده شده است.

۲- اثر فاقد چارچوب نظری است؛ به‌طوری‌که خواننده با مطالعه

۳- نویسنده کتاب در صفحه ۱۹۷ اشاره می‌کند که هندوها نیز می‌توانند با پرداخت جزیه در پناه مسلمانان مانند پیروان سایر مذاهب ابراهیمی (مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) زندگی کنند که به نظر می‌رسد توضیح اشتباه فوق از جانب مترجم ضرورت داشته باشد.

۴- ذیل پی‌نوشت شماره ۷۱ (ص ۲۱۶) مجمع‌الجزایر مالدیو در شمال هندوستان معرفی شده است حال آنکه در شمال هندوستان جزیره‌ای وجود ندارد و باید به جنوب غربی هندوستان اصلاح شود.

دوم: نقد اثر

برتون هدف نگارش کتاب را "ارائه چارچوبی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مسائل قومی از منظر مردم‌شناسی و تعدیل تصویر شیطانی قومیت‌ها که در اذهان وجود دارد"، اعلام کرده است.

بررسی میزان موفقیت نویسنده در دستیابی به هدف فوق و روش انتخاب شده و هم‌چنین نقد محتوایی اثر سه زمینه‌ای است که باید به آن پرداخته شود:

منوگرافی چندوجهی یاد کرد که در نقاط جغرافیایی متعددی دست به مطالعه موردی زده است و شاید به عنوان یک روش توصیفی قابل توجه باشد.

۴- توجه به تاریخ تحریر اثر که اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی می باشد نشان می دهد که نویسنده شاهد یکی از تلخ ترین حوادث تاریخی در بالکان بوده و فروپاشی نظام سوسیالیستی بلوک شرق باعث شده است که دید حاکم بر اثر، اروپامحورانه باشد و حوادث دهه مذکور را به کل جهان تعمیم داده و این تعمیم نابجا باعث شده که نویسنده از دستیابی به یک دید کل نگر بازمانده و عملاً تحلیل های نامبرده که در حوزه اروپایی شرقی و مرکزی قابل استناد هستند، برای دیگر نقاط جهان از اعتبار کمتری برخوردار باشند.

ج) نقد محتوایی

از نظر محتوایی سه ایراد عمده به اثر وارد است که به طور مختصر به آن پرداخته می شود:

آن موفق نمی شود چارچوبی را در ذهن خود شکل دهد تا به کمک آن بتواند حوادث سیاسی و اجتماعی که در این حوزه اتفاق می افتد، تحلیل و نهایتاً طبقه بندی نماید. البته نباید انتظار داشت چارچوب نظری یا مفهومی یک کار مردم شناسانه دقیقاً مطابق سایر حوزه های فرهنگی باشد ولی فقدان چارچوب نظری یا مفهومی، باعث گسیختگی روشی شده و عملاً معلوم نیست با کدام ابزار قرار است کدام نظریه به بونه تجربه و آزمون گذاشته شود تا بتوان آزمون تجربی و یا عقلانی از حادثه مذکور به عمل آورد. فقدان چارچوب نظری باعث شده است که شواهد تجربی فراوانی که در کتاب به آن پرداخته و اشاره شده است، بی نتیجه مانده و خواننده نتواند به کمک این شواهد فراوان، تحلیل و یا تعلیلی از علل بروز این جنبش ها در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن جاری آن هم از اروپای مدرن ارائه دهد.

۳- فقدان چارچوب نظری باعث تقلیل سطح اثر به توصیف یک سری حوادث تاریخی شده است. به طوری که می توان از آن به عنوان یک

نژادی و دینی عامل شکل‌گیری قیام‌ها بوده است. تعمیم وحدت زبانی به‌عنوان تنها عامل شکل‌گیری ملت، از دیگر شواهدی است که نشان می‌دهد متن حاضر، دچار منطقه‌گرایی شده است.

۲- اشکال دیگری که به محتوای اثر وارد است، حقایقی است که در خصوص کشتار یهودیان توسط نازی‌ها در جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده است. البته این اشکال ناشی از فضایی است که لابی قدرتمند صهیونیستی در فرانسه ایجاد کرده است به‌طوری که بیان برخی از حقایق جنگ مذکور را بر نمی‌تابد و حتی نویسندگانی که اقدام به روشنگری در خصوص این حقایق بنمایند، با محکومیت در دادگاه‌ها و حتی زندان و جمع‌آوری آثارشان روبرو می‌شوند (برای نمونه می‌توان به محاکمه روزه گارودی نویسنده کتاب "تساریخ یک ارتداد" و جمع‌آوری غیرمستقیم کتابش اشاره کرد) (گارودی، ۱۳۷۷: مقدمه).

به این ترتیب، حقایقی که درباره کشتار یهودیان اشاره می‌شود

۱- در بخش‌های مختلف اثر اشاره شده است که زبان، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری ملت‌هاست (فصل ۴). هرچند عامل زبانی در شکل‌گیری دولت‌های ملی در اروپای غربی در قرن ۱۹ و ۲۰ نقش به‌سزایی داشته است، ولی تعلیل زبانی پیدایش ملت قادر نیست سایر عواملی که باعث خیزش‌های ملی شده است را پوشش دهد؛ به‌طوری که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم قیام‌های ملی علیه کشورهای استعماری و شکل‌گیری دولت‌های ملی، نه براساس وحدت زبانی، بلکه بیشتر با منشاء استقلال‌طلبانه شکل گرفته است؛ هرچند که این قیام‌ها ممکن است در جوامعی به وقوع پیوسته باشد که اشتراک زبانی با کشور استعماری دشمن‌شان داشته باشند.

شواهد تجربی قرن بیستم هم نشان می‌دهد که همواره خیزش‌های قومی بر محور زبان مبتنی نبوده است. برای نمونه جنبش مسلمانان جنوب فیلیپین بر محور تفاوت دینی، در ایرلند تفاوت مذهبی، در سریلانکا تفاوت نژادی و در فلسطین تفاوت

پژوهشگران این حوزه کمی واقع‌گراتر شده و آمار مذکور را تا ۱/۵ میلیون تن کاهش داده‌اند. (گارودی، ۱۳۷۷: ۱۶) با این وجود برخی محققین آمار واقعی را حتی کمتر از یک میلیون نفر ذکر کرده‌اند. (ص ۱۷۸) مسأله ذکر آمار در این باره به قدری غیرواقعی است که نتوانی‌ها نیز با استفاده از مبالغه‌گویی‌های موجود در صدد برآمده‌اند اثبات کنند که آمارهایی که درباره نظام فاشیستی هیتلری ذکر می‌کنند، واقعی نبوده و متفقین حقایق را وارونه جلوه داده‌اند. (۱)

در خاتمه مطالعه نقادانه کتاب به محققین حوزه قوم‌شناسی توصیه می‌شود.

دکتر احمد رضایی

اغراق‌آمیز و ناصحیح است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

«راه‌حل نهائی که در وانسی در ژانویه ۱۹۴۲ برای آن تصمیم گرفته شد و سبب مرگ نزدیک به ۶ میلیون یهودی شده است»!!! (ص ۱۹۲)

مراجعه به آثار متعدد نشان می‌دهد آمار مذکور غیرواقعی است و در آن تاریخ، یهودیانی که در کل اروپا زندگی می‌کرده‌اند کمتر از یک میلیون نفر بوده‌اند. (زعیتز، ۱۳۷۳) البته آماری که در منابع متعدد فقط در مورد کشتار یهودیان ارائه شده است، ابتدا ۹ میلیون، سپس ۸ میلیون و تا سال ۱۹۹۴ بر بنای یادبودی که به همین مناسبت ساخته شده بود، آمار ۴ میلیون در آن قید شده و به ۱۹ زبان ترجمه شده است. اخیراً علوم انسانی

یادداشت :

۱- روزه گارودی در کتاب "تاریخ یک ارتداد" با ذکر منابع متعددی که بعضی از نویسندگان آن یهودی‌اند، نشان داده که علل بیان این دروغ بزرگ چه بوده است و چگونه کشته شدن میلیون‌ها انسان در این جنگ خانمان‌سوز، به بحث یهودی‌کشی نازی‌ها تقلیل یافته است.
(گارودی، ۱۳۷۷: ۱۸۶-۱۶۶)

منابع :

- ۱- زعیترا، اکرام (۱۳۷۳)، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۲- گارودی، روزه (۱۳۷۷)، تاریخ یک ارتداد؛ اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه مجید شریف، تهران: انتشارات فرهنگی رسا.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د پوهنتون
پرتال جامع علومو انساني